

به نام خدا

بعد از بیان و معرفی علوم کاربردی برای اصلاح گفتار و نوشتار، حال زمان آن رسیده است که در مورد کلمه و اقسام آن صحبت کنیم چراکه موضوع و محور اصلی ابزارهای اصلاح، کلمه است.

لفظ صوتی است که از دهان خارج می‌شود و بر مخارج حروف تکیه زده است، زمانی که شما حروف را از مخرج خودش که در علم تجوید آن را می‌خوانید ادا و تلفظ می‌کنید لفظی از دهان شما خارج می‌شود که یکی از ویژگی‌های لفظ با صدا بودن آن است.

لفظ بر دو نوع است:

۱- مُسْتَعْمَل

۲- مَهْمَل

مُسْتَعْمَل: لفظی مفردی و دارای معنایی است که قابل استعمال در جملات است، به این نوع لفظ «کلمه» می‌گویند؛ مانند جَلَسَ: این یک کلمه است و دارای معنا است به معنای نشست و می‌توان در جمله‌ها از آن استفاده کرد.

مَهْمَل: لفظی است که معنا ندارد و غالباً در جملات استفاده نمی‌شود؛ مانند لَسَجَ: این یک لفظ است که بدون معنا است و نمی‌توان از آن در جمله‌ها استفاده کرد.

پس کلمه لفظی است که دارای معنا است و قابل استعمال در جملات است.

کلمه بر سه نوع است:

۱- اسم

۲- فعل

۳- حرف

این سه کلمه، موضوع اصلی زبان عربی هستند که به وسیله‌ی آنها می‌توان جملات زیاد و پرمعنایی را درست کرد، هرکدام از این کلمه‌ها معنا و ویژگی‌های خاص خود را دارند، در واقع هرکدام شناسنامه‌ی بخصوص خود را دارند و می‌توان به وسیله‌ی این شناسنامه‌ها، آنها را در جملات شناسایی و تفکیک کرد.

اسم: کلمه‌ای است که بر معنای مستقلی دلالت دارد ولی این معنا، به زمان خاصی تعلق ندارد؛ مانند کلمه‌ی علی، علی اسم است و به معنای بالا و بلندمرتبه است ولی خالی از هرگونه زمان است. منظور از زمان یعنی دلالت برگزیده، حال یا آینده بکند در صورتی که هیچ اسمی دلالت بر این سه زمان ندارد.

فعل: کلمه‌ای است که بر معنای مستقلی دلالت دارد اما این معنا، به زمان‌های خاصی تعلق دارد؛ مانند کلمه‌ی جَلَسَ، این‌یک فعل است و به معنای نشست است و دارای زمان گذشته است.

فعل دارای زمان گذشته، حال و آینده است و با تغییر حالت ظاهری آن‌ها می‌توان یک فعل را به زمان‌های مختلفی منسوب کرد؛ مانند:

- خَرَجَ (خارج شد) دلالت بر زمان گذشته
- يَخْرُجُ (خارج می‌شود) دلالت بر زمان حال
- أُخْرَجَ (خارج شو) دلالت بر زمان آینده

حرف: کلمه‌ای است که بر معنای مستقلی دلالت ندارد و همچنین خالی از هرگونه زمان است و برای تکمیل کردن معنای خود باید به یکی از کلمات (فعل، اسم) متصل شود که در این صورت میان کلمات ارتباط ایجاد می‌شود.

وظیفه‌ی حروف ارتباط دادن بین کلمات است. ارتباط بین (فعل و فعل، اسم و فعل، فعل و اسم) برقرار می‌کند.

مانند كَتَبْتُ بِالْقَلَمِ (نوشتم به وسیله‌ی «با» قلم). (بِ) یک حرف است و به معنای (با) است و به زمان خاصی تعلق ندارد و همچنین در این مثال بین فعل و اسم ارتباط ایجاد کرده است.

این مطلب تا بدین جا به پایان نمی‌رسد، هرکدام از این کلمه‌ها، شناسنامه‌ای دارند که باید آن‌ها را به‌طور دقیق بدانیم تا بتوانیم در جملات آن‌ها را شناسایی کنیم و به امید خدا در فرصت بعدی آن‌ها را به‌طور دقیق بیان خواهیم کرد.

سربلند باشید.

علی حمیدی پور

نویسنده و مدرس زبان عربی